

انقلاب اسلامی لبنان

در سخنان مسئول جنبش امل اسلامی

توطئه های پی در پی

و از این روی دشمن بفراتر انتقام افتاد. سعی کردند بهر شکل شده، عنوان اسلامی را از نهضت و مقاومت مردم بگیرند و یک عنوان دیگر مانند ناسیونالیستی، ملی و یا عربی به آن بخشند تا فضیلتی برای انقلاب و اسلام در اذهان دیگر ملت‌ها تداعی نکند. لذا عملیاتی به صورت ظاهر توسط برخی از احزاب و گروه‌ها رخ داد که با تبلیغات و جار و جنجال زیادی همراه بود.

توطئه دیگر «جنگ فلسطینی‌ها با شیعیان» بود که با نقشه‌ای پلید، برخی از اعضای جنبش امل را وارد آن کردند تا در نتیجه، تمام شیعیان را به درگیری اردوگاه‌های فلسطینی به کشانند، و از آن پس، نبرد اسلام و کفر میثاق شود به نبرد سنی و شیعه و قتل و کشتار نه براساس هدف و انگیزه که براساس انتقام‌جویی بی هدف به راه افتد. و آنچه ما را از این خطر جدی نجات داد، حرکت بموقع

مقاومانه‌ای که از رژیم‌های عربی دیده بودند، در پیش نخواهند داشت. ظواهر امر نشان می‌دهد که با سر عرفات نیز در این توطئه شریک بود، زیرا پس از شروع حمله، از لبنان فرار کرد و دستور داد نیروهایش نیز هر چه زودتر جنوب را ترک کنند، و این در حالی بود که نیرومندترین قدرت نظامی را در جنوب لبنان در اختیار داشت و ما نیاز زیادی به کمک‌های نظامی و مادی و تسلیحاتی فلسطینی‌ها داشتیم.

بنابر این، آمریکا و اسرائیل مطمئن شدند که عرفات نخواهد جنگید، دیگران هم با با آنها هم‌دست‌اند و با تاب مقاومت. بیش از چند روز نخواهند داشت، غافل از اینکه انقلاب اسلامی چنان نیروئی به مؤمنان و متعهدان مبارز لبنانی بخشیده بود که مردم را به حرکتی حسین‌گونه واداشت که در حقیقت اعجاز آفریدند و نه تنها اسرائیل را به شکستی مفتضحانه واداشتند که آمریکا و فراتر از آن نیز از لبنان طرد و اخراج کردند.

در شماره گذشته، بخش اول اوضاع کلی لبنان و تأثیر انقلاب اسلامی ایران در نهضت مسلمانان آن دیار، از زبان آقای سید ابراهیم امین، سخنگوی حزب الله لبنان بررسی شد، و اکنون قسمت دوم نشستی که با برادران مبارز لبنانی داشتیم تقدیم خوانندگان عزیز می‌شود. در این قسمت برادر ابوشام رهبر جنبش امل اسلامی، در این رابطه سخن می‌گویند:

درگیری‌های قبل از پیروزی انقلاب

قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران، مسلمانان لبنان کم و بیش با دشمنان اسلام درگیری می‌شدند و درگیری‌ها زدوخورداتی بین آنها در بیروت، جنوب و با دفاع بر پا می‌شد بویژه با بعثیه‌های عراق که خیلی سفاک و خون‌آشام بودند درگیری‌هایی رخ می‌داد و مردم تا اندازه‌ای از آنان وحشت داشتند.

در گرما گرم نهضت ملت مسلمان ایران، پرتوی از نهضت در لبنان نیز پدید آمده و مسلمانان را به نوعی حرکت هماهنگ با ملت ایران واداشته بود تا آنجا که همزمان با تظاهرات ایران، تظاهراتی - هر چند محدود - در لبنان انجام می‌گرفت و با اوج گرفتن نهضت و پیدایش روحیه‌ی مقابله با ظلم و ظالمین، مبارزین متعدد - چه در جنبش امل و چه در غیر آن - شکل گرفت و این بار درگیری با بعثیان صدام به صورت هجوم در آمد. البته تمام این مسائل، پیش از حمله اسرائیل به جنوب بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دشمنان ائت بزرگ اسلام، منوجه رابطه تنگاتنگ میان مسلمانان لبنان و مسلمانان ایران و ارادت و علاقه صمیمانه مبارزان لبنانی به حضرت امام و پذیرش رهبری آن بزرگوار شدند و بیم آن داشتند که آنچه در ایران گذشته است، شاید در لبنان نیز صورت پذیرد، از این رو، حمله اسرائیل با تأیید مستقیم آمریکا و هم پیمانانش در پیمان آنلانیک، شروع شد. تصور آنها بر این بود که مقاومت و مبارزه‌ای بیش از

جمهوری اسلامی و موضع محکم و متین حزب الله لبنان بود که این نقشه پلید را در هم کوبید و مکتب را از این خطر خانمانسوز رهایی بخشید، البته بسیاری از افراد متدین و معتقد جنبش اهل که ضمناً دارای تأثیر بسزائی نیز در این جنبش می باشند، از شرکت نبرد خونین اردوگاهها سرباز زدند و در پی رفع مشکل و چاره جویی افتادند. بدینوسیله فلسطینی ها و دیگر برادران اهل سنت ما اطمینان پیدا کردند که شیعیان قصد جنگیدن و رودرروئی با آنان را ندارند بلکه گروهی از شیعیان با وضعیّت مشخصی! در این قضیه شرکت داشته اند. ولذا این توطئه نیز بحمدالله به شکست انجامید.

وقتی این بازی ناموفق ماند، برخی از افراد را در جنبش اهل تحریک کردند تا با حزب الله درگیر شوند. زیرا اسرائیل نتوانست روحیه حسینی را از بین ببرد، جنگ اردوگاهها هم شکست خورده بود، دولت فالانژها هم توان شکاف انداختن میان مسلمانان مبارز را نداشت، پس بهترین راه - به نظر آنان - این بود که شیعیان را بجان یکدیگر اندازند و روحیه ها را تضعیف کنند. این توطئه نیز با باری خداوند و اقدام سریع جمهوری اسلامی و همکاری معتقدینی که در جنبش اهل بودند، ناکام ماند.

این توطئه نه تنها نتوانست روحیه اسلامی ما را متزلزل سازد که یک نتیجه نسبتاً خوبی نیز برای ما در برداشت. ما برآن شدیم که یک کمیسیون مشترکی بین برادران حزب الله و برخی از برادران متدین جنبش اهل بوجود آوریم. اوّلین وظیفه ای که این کمیسیون به عهده گرفته است همین است که هر توطئه خطرناکی که برای آتش افروزی میان مسلمانان (چه سنی و شیعه و چه شیعه و شیعه) از سوی دشمنان پی ریزی می شود، در نقطه خفه کنیم و نگذاریم شعله های خانمان براندازش به دیار مسلمانان برسد. در همین رابطه اشاره ای می کنم به توطئه ای که دشمن برای ایجاد درگیری بین شیعیان و دروزیها پی ریزی کرد و در این میان نبردی میان جنبش اهل و حزب سوسیالیستی لبنان در گرفت و برخی از فلسطینی های گروه عرفات از پشت پرده برای انتقامگیری از جنبش اهل هیزم بار معرکه بودند که بحمدالله بیش از چند روز ادامه نداشت و مسلمانان خود را از کشیده شدن به این فتنه کنار کشیدند.

صلح ذلت بار در لبنان

در هر صورت، ما همه روزه مواجه هستیم با نقشه های جدیدی برای خاموش کردن روحیه شهادت طلبی و نابودی کادربندی متعهد و مؤمن، که یکی از این نقشه ها کوششهای صلح جوینان دشمنان است! آنها می گویند که میان مسلمانان و فالانژها نوعی صلح ذلت بار برقرار سازند و بقول خودشان لبنان نوینی بازسازی کنند که این لبنان نوین، خطری جدی برای مسلمانان در بردارد چرا که با این طرح خائنانه، حکومت همچنان در دست فالانژها باقی می ماند و ریاست جمهوری از آن امین جمیل خواهد بود و قدرت نظامی از تمام گروه ها گرفته خواهد شد و همه را به ارتشی که سرسپرده فالانژ است واگذار خواهند کرد. و با این برنامه، امکان درگیری و مبارزه با اسرائیل و عوامل جنایتکارش در لبنان از بین خواهد رفت. و از آن پس اگر فشاری باشد تنها بر مسلمانان و مبارزان معتقدی فرود خواهد آمد که همچنان اصرار بر براندازی اسرائیل و مبارزه با آن را دارند. و سودی که برای گروه های درگیر در بردارد خلاصه می شود در اینکه چند نماینده با یک وزیر از هر گروه در پارلمان با دولت شرکت کنند! و ما این سودهای مادی را چیزی جز ذلت و سرسپردگی نمی دانیم.

بر ما است که پیوسته در حال دشمنی با دشمن صیونیستی بمانیم و به هیچ وجه واهی نشویم این غده سرطانی در جسم امت اسلامی بماند و ریشه بدواند، باید از هر جا که ممکن است ریشه هایش را قطع کنیم و آن را نابود سازیم. لذا ما همانگونه که با قرارداد نافوره مخالفت کردیم در برابر قرارداد و موافقتنامه ای که امنیت اسرائیل را عهده دار می شود، سخت ایستادگی خواهیم کرد و مصمم هستیم تا اسرائیل را از بین نبریم از پای نشینیم، هر چند این جنگ سالها به طول انجامد.

و همین اصرار و پافشاری ما است که مرگ را برای صیونیست ها همواره به ارمغان می آورد حتی اگر در پشت پرده های آهتین و تکنیکهای پیشرفته دفاعی بسر برند.

خطر عقب نشینی

یکی دیگر از توطئه ها، شایعه هایی است که اسرائیل را بزرگ جلوه می دهد و مسلمانان ضعیف الایمان یا دنباپرست را به حرکت کردن در عکس

مسیر مستقیم مبارزان مسلمان وا می دارد که متأسفانه این هم ضربتی است سخت و باید با آن مواجه شد، به این معنی که باید با تبلیغات مثبت از سوی حزب الله، آن تبلیغات منفی را خنثی کرد. و باید به این مسلمانان شناسنامه ای فهماند که فرار از جبهه رودرروئی با اسرائیل، تحت هر عنوانی، ذلت است، نه تنها برای مسلمانان که برای اسلام، اکنون که اسرائیل تحت ضربه های خرد کننده مبارزان مسلمان، به شکست نزدیک می شود و اکنون که قدرت الهی رزمندگان اسلام برای همگان روشن شده است که دارای نیروی فوق العاده ای هستند که هرگز عقب نشینی در آن راه ندارد، هرگونه عقب نشینی و سکوت مرگبار، خطری است جبران ناپذیر که متوجه مکتب رهائی بخش اسلام و قرآن می شود و باید این سزا را شکست و به پیش تاخت تا به پیروزی نائل آئیم.

فراموش کردن جنوب

توطئه دیگری که سخت بر آن می کوشند این است که راه حلی برای برقراری صلح و آرامش در بیروت و دیگر شهرهای بزرگ لبنان بیابند و جنوب را به فراموشی سپارند. این همه کنفرانس ها و نشست ها که در بیروت میان گروه های مختلف برقرار می شود برای ایجاد نظم و آرامش در بیروت است بگونه ای که کم کم و با یک روش انحرافی، جنوب را بکلی از یاد ببرند.

امام موسی صدر از سالها پیش چنین خطری را گوشزد کرده بود و می گفت: ما نخواهیم پذیرفت که لبنان بخندد در حالی که جنوب گریان است یعنی چگونه در فکر آرامش و آسایش کلّ لبنان منهای جنوب می باشید؟! او این سخن را گفت برای اینکه می دانست فالانژها با همکاری برخی از مسلمان نمایان چه نقشه های پلید و خائنانه ای در سر می پروراندند که ما باخواست خداوند با این توطئه نیز مقابله خواهیم کرد.

نکته جالب توجه اینجا است که در کنفرانس سه طرفه که در بیروت منعقد شد، و بنا بر این بود که بین مسلمانان و فالانژها نوعی صلح برقرار شود، قبل از اینکه مسلمانان این را توطئه ای قلمداد کرده و با آن مبارزه کنند، خود فالانژها و دیگر مسیحیان (مارونیها - جبهه لبنان - کاتولیکهای طرفدار و آتیکان و طرفداران امین جمیل) همه با

هم مسئله همزیستی و صلح با مسلمانان را رد کردند و آن را یک نوع اهانت به خود دانستند! پس اصل محکوم کردن قرارداد سه طرفه از سوی خود آنها شروع شد در صورتی که ما هم با آن مخالف بودیم زیرا برای ما ننگین بارتر و ذلت آفرین تر بود، گذشته از اینکه چندان فایده مادی هم برای مسلمانان در برداشت.

وضعیت سیاسی جدید

اکنون وضعیت سیاسی در لبنان، مرحله تازه‌ای به خود گرفته است. گویا مارونیها و مسیحیان در پی یافتن راه حل‌های دیگری هستند که هم قدرت را بیشتر در دست بگیرند و هم مسلمانان را به سکوت و تسلیم وادارند. و ممکن است برای بشر رساندن اهداف شوم خود، از اسرائیل یاری جویند و اسرائیل نیز متقابلاً از طریق مزدورانش در گروه آنتوان لحد دست به انفجارهای تازه‌ای در جنوب بزند و شاید به سوی صیدا پیشروی داشته باشند. و در صورت پیشروی به طرف صیدا، احتمالاً درگیری‌هایی میان صهیونیست‌ها و ارتش سوریه مستقر در لبنان پدید آید. کارشناسان و تحلیلگران سیاسی معتقدند اگر چنین نبردی پیش آید، محدود و زودگذر خواهد بود و امکان دارد منتهی شود به یک کنفرانس بین‌المللی در ژنو، و آمریکا و روسیه و سایر کشورهای غربی که به نحوی خود را ذنبغ در لبنان و خاورمیانه می‌دانند، در آن کنفرانس شرکت جویند. همه اینها ممکن است در آینده پیش آید ولی آنچه بدون شک برقرار خواهد بود، خطری است که متوجه جنوب است. زیرا تمام نیروهای فاسد از مرتجعین عرب گرفته تا حاکمان وابسته‌ای چون شاه حسین، حسنی مبارک و یاسر عرفات و شاه حسن و خلاصه این گروه شیطانی مرتجع که وجود رژیمهای خود را وابسته به بقای اسرائیل می‌دانند، همه خواهان ادامه حیات صهیونیست‌ها هستند. اسرائیل هم که می‌داند، بقای این رژیمها به بقای خودش وابسته است لذا هرگز با آن جنایتکاران طرفیت و مخالفی نخواهد کرد بلکه همه آنها طبق منفعت مشترکی که با هم دارند، هواخواه همدیگر خواهند بود. همچنانکه همین امر را در بقای رژیم صدام می‌دانیم و این همه دست و پا کردن و بیت‌العمل مسلمین را صرف باقی ماندن صدام کردن و حمایت‌های بی دریغ رژیمهای مرتجع

منطقه همه بدلیل این است که اطمینان دارند اگر صدام برود، رژیمهای آنها نیز از بین خواهد رفت لذا همگام با آمریکا و اسرائیل می‌کوشند که صدام را نگهدارند تا خود نیز باقی بمانند.

در لبنان نیز چنین است؛ یعنی همانگونه که دنیای استکبار در پی از بین بردن و شکست دادن به امت حزب الله ایران است که ان‌شاء الله این آرزو را به گور خواهند برد، در لبنان نیز چون می‌بینند امت حزب الله طرفدار انقلاب اسلامی است و رهبریت امام خمینی را بی چون و چرا پذیرفته است، لذا روزانه کوشش‌ها برای نابودی حزب الله لبنان دارند، از این روی نه تنها از نظر نظامی با ما می‌جنگند که با سلاح تبلیغات نیز که سلاحی بُرنده‌تر و ویرانگرتر است با ما مبارزه می‌کنند. گاهی ما را به تروریستی و گاهی به بنیادگرایی متهم می‌کنند و همواره شایع می‌کنند که هرفتنه و آشوبی در لبنان برپا می‌شود زیر سر حزب الله است و حزب الله مسئول نعام مصیبت‌ها و حوادثی است که در لبنان و منطقه رخ می‌دهد و حزب الله همه صلح و آرامش است و طرفدار جنگ و ویرانی می‌باشد!! آنها با چنین تبلیغاتی، می‌خواهند افکار بین‌المللی را نسبت به ما آفند و منحرف و آشفته کنند که اگر اسرائیل یا هر شر طلب دیگری برای سرکوبی ما با ما بجنگد، مردم و حتی مسلمانان منطقه بجای اعتراض به آنها بگویند: دست شما درد نکند!!

این بود مختصری از گرفتاری‌هایی که ما در لبنان داریم ولی بحول وقوة خدا و با تکیه و همیاری مستگرداران انقلاب اسلامی، در برابر تمام نقشه‌ها و توطئه‌ها که روزانه بی‌ریزی می‌شود و گروه‌های شیطانی در آنها شرکت دارند، ایستادگی خواهیم کرد و لحظه‌ای درنگ روا نخواهیم داشت چرا که دشمن هرکاری کند بالاتر از این نیست که ما را به شهادت برساند و ما هم برای شهادت و هم برای هر مصیبت دنیوی دیگری حاضر و آماده ایم ولی حاضر نیستیم کوچکترین اهانتی به مکتبمان وارد شود «قل هل یرصون بنا الا احدى الحسنيين ونحن نشریح بکم ان یرصیکم الله بعداب من عنده او یأیدینا، فتریسوا إنا معکم من المتریبین».

(نوبه - ۵۲)

بگو (ای پیامبر) شما چه انتظاری درباره ما دارید جز اینکه یکی از دونیکی به ما برسد

(پیروزی یا شهادت) ولی ما درباره شما انتظار داریم که خداوند بوسیله عذابی از سوی خویش با بدست ما، جاناتان را بگیرد، پس منتظر بمانید که ما هم با شما منتظریم.

آینده لبنان

مطلبی که می‌خواستیم به آن اشاره کنیم، این است که نتیجه مبارزات ملت مسلمان لبنان در آینده‌ای دور یا نزدیک، به ثمر خواهد نشست، زیرا مجاهدان راه خدا نظری و اندیشه‌ای جز بر افراشته شدن پرچم قرآن و اسلام ندارند و به چیزی جز حکومت اسلامی نمی‌اندیشند ولی ما این را در عمل نه شعار باید تحقق بخشیم. ای بسا افرادی که شعارهای بسیار گرمی در این رابطه می‌دهند ولی در میدان عمل، کمتر تأثیری می‌توانند بگذارند، لذا این شعارها تا همراه با عمل نباشد ارزشی نخواهد داشت.

از این روی، برای رسیدن به مقصود راهی جز مبارزه منفی با دشمنان از یکسو و تبلیغات مثبت برای میثا کردن جامعه و پذیرش حکومت اسلامی از سویی دیگر نداریم لذا نخست باید با اسرائیل که قوی‌ترین و خطرناک‌ترین دشمن ما است مبارزه کنیم زیرا اگر اسرائیل را از پای در آوریم، شکست فالانژها حتمی است و اسرائیل را جز مبارزان مسلمان کسی شکست نخواهد داد برای اینکه با یک بررسی کوتاه در می‌پاییم آنانکه اندیشه‌ای صد در صد اسلامی ندارند، ضرورتی در مبارزه با اسرائیل نمی‌بینند و فلسطینی‌ها هم که تاکنون معتقد به مبارزه با اسرائیل بودند، بسیاری از آنها متأسفانه از پیروزی نومید شده‌اند، و سایر گروه‌هایی هم که به نحوی از اسرائیل رضایت نداشتند، چون اعتماد به خدا ندارند، لذا به خود نیز نمی‌توانند اعتمادی داشته باشند، پس تنها مؤمنین مکتبی هستند که خود را مکلف به ادامه نبرد تا پیروزی می‌دانند و مطمئن هستند، خدا آنها را یاری خواهد کرد، چه اینکه خود فرموده است «ان تصوروا الله یتصرکم و یشیت اقدامکم».

بنا بر این، نخست باید مبارزه را از نظر بعد نظامی دنبال کرد و سپس مبارزه با ایده‌ها و اندیشه‌های وارداتی از غرب و شرق در پی داشت و در ضمن این مبارزه‌ها، مردم را آماده مقاومت و مبارزه با دشمنان نمود و این درست همان روشی

است که امام امت در پیش گرفت و به پیروزی نائل آمد.

چگونه به پیروزی می‌رسیم؟

البته این عوامل پیروزی در صورتی تحقق می‌پذیرد که جوی سالم میان مسلمانان بوجود آورد، یعنی همانگونه که تکیه امام دام‌ظله بر ایجاد وحدت و هماهنگی میان تمام قشرهای اسلامی بود، ما نیز باید مویم‌این فرمان را به مرحله اجرا گذاریم.

ما در پی آن هستیم که وحدت اسلامی را میان قشرهای سنی و شیعه، همانگونه که مورد رضایت خداوند است، برقرار سازیم و در این راه با همکاری برادران اهل سنت، با تمام آنان که بنابر ایجاد اختلاف و تفرقه میان مسلمانان دارند، بجنگیم چه خود را شیعه بدانند و چه سنی، زیرا ملاح وحدت است و تا وحدت برقرار نشود، از پیروزی خبری نخواهد بود.

و خوشبختانه برنامه‌های وحدت آفرین جمهوری اسلامی، برای تمام برادران اهل سنت ما ثابت کرده است که واقعاً تمیز و تفرقه‌ای میان این دو گروه در ایران اسلامی وجود ندارد و همین باور است که منشأ یک همکاری حقیقی بین برخی از علمای اهل سنت و علمای تشیع شده است که «تجمع علماء المسلمین» در بیروت نشانه‌ای از آن است.

و آنچه این باور را عمیق‌تر کرده است، دستگیری علمای شیعه همراه با علمای سنی است از سوی رژیم صهیونیستی که با هم به زندانهای اسرائیل روانه می‌شدند و در آنجا به سوی یک هدف واحد، دعوت می‌کردند و دشمنی مشترک داشتند. و هرگاه یکی از علمای سنی یا شیعی از زندان آزاد می‌گشت، جشنها برای آنها از سوی تمام مسلمین برگزار می‌شد و این مجالس و جشنها موجبات اخوت و برادری و نزدیکی بیشتر دو گروه را فراهم می‌ساخت.

در اینجا لازم است از بارزترین الگوی وحدت اسلامی در لبنان نام ببرم. برادرمان شیخ سعید شعبان که هیچ کس نمی‌تواند در دیانت و خلوص و معنویت او شک ببرد، با کمال شهامت و بدون هیچ ملاحظه‌ای، در شمال لبنان، اعلام همبستگی با جمهوری اسلامی و پذیرش رهبریت معظم آن

نمود، و لذا سهم بزرگی در پیشرفت وحدت و همبستگی و روی آوردن بیشتر مسلمانان شمال لبنان به انقلاب اسلامی و حضرت امام دارد. و گرچه این معنی باعث شد که دشمن برای انتقامجویی جنگ خونین طرابلس را به کار اندازد ولی آن توطئه هم به لطف خداوند و دخالت سریع و بموقع جمهوری اسلامی و همکاریهای بی‌دریغ حزب الله لبنان، ناکام ماند. و از طرفی دیگر برای برادران سنی ما ثابت شد که همه ما مانند یک جسد هستیم، و اگر عضوی را روزگار ببرد آورد، عضوهای دیگر به همان درد گرفتار می‌شوند و با هم درد را درمان می‌سازند.

جنبش اهل اسلامی

مسئله دیگری که ممکن بود منجر به فاجعه‌های خونین زیادی شود، مسئله درگیری برخی از اعضای جنبش اهل به سرکردگی نبیه بری با فلسطینیان که آن را جنگ اردوگاه‌های فلسطینی می‌نامند. می‌باشد و اینجاست که لازم بود به عالم بهمانیم این شیعیان نیستند که با فلسطینی‌ها به جنگ برخاسته‌اند بلکه گروهی فریب خوردگان‌اند که به فرماندهی یکی از دست نشانده‌گان آمریکا در لبنان، دست به چنین جنگ خانمانسوزی زده‌اند. اینجا بود که اعلام جدائی از آقای نبیه بری کردیم و با او فاصله گرفتیم. البته قبل از این هم خیانت‌هایی از او سرزده بود، از جمله توافقی که با بشیر جمیل در گروه نجات (لجنة الانتقاذ) آمریکائی داشت و ما صریحاً ویی پرده به او گفتیم که به هیچ وجه برای ما قابل قبول نیست که در زیر پرچم آمریکا و اسرائیل درآید و با یکی از دست نشانده‌گان پلید آنها که دستش به خون جوانان مسلمان آلوده است، سر میز مذاکره بنشیند و به او گوشزد کردیم که در این خیانت‌ها سقوط خواهد کرد ولی او همچنان اصرار داشت که من می‌خواهم مسلمانان را از جنگ و خطرات ناشی از آن رها سازم! و برای اینکه خود را از آن آلودگی نجات دهیم و با او در یک خط نباشیم اعلام کردیم که ما جنبش اهل را با عنوان اسلامی پذیرا هستیم نه به صورت مطلق. ما می‌خواهیم جنبش اهل اسلامی داشته باشیم نه جنبش اهل آمریکائی و نه حتی جنبش اهل لبنانی زیرا ما جزئی کوچک از امت حزب الله هستیم که امام را به عنوان رهبر

پذیرفته است و ما در خط ولایت فقیه هستیم و هرگز از آن بقدر سرسوزنی منحرف نخواهیم شد ان‌شاء الله و از این روی، عنوانی جز اسلامی برای خود سزاوار نمی‌بینیم.

لازم به تذکر است که ما سازمانی جدا از حزب الله نیستیم بلکه ما هم قطره‌هایی از همان دریای بیکران امت هستیم که همه مؤمنین و متعهدین را در بر می‌گیرد ولی از نظر سیاسی، اجتماعی و تبلیغاتی در یک محدوده منظم و با برنامه ریزی خاصی حرکت می‌کنیم، و گرنه از نظر سیاسی، ما هم جزئی از حزب الله می‌باشیم و هیچ فرق بین اهل اسلامی و دیگر گروه‌های مسلمان در خط امام نیست.

در خانه از خداوند متعال می‌خواهیم ما را در خط امام پایدار بدارد و امام اوقت را عمری طولانی عطا فرماید و اوقت اسلامی در ایران را بردشمنان اسلام پیروز گرداند. و دگر بار یادآور می‌شویم که پیروزی شما در ایران، پیروزی مسلمانان در تمام نقاط جهان است زیرا جمهوری اسلامی خاصی شما نیست که مربوط به همه مسلمین است و ما همه خود را اعضای انقلاب و جمهوری اسلامی می‌دانیم. و همین پیروزی که این روزها در «فاو» و اروندرود بدست آورده‌اید، بهمان مقدار که ملت ایران خرسند است، ملت‌های مسلمان لبنان و سایر کشورها نیز خرسند خواهند بود و همه با شما این پیروزی را جشن می‌گیرند، و تنها مرتجعین و مزدوران و دست نشانده‌گان آمریکا و سایر ابرقدرتها هستند که از این پیروزیهای بزرگ، دل‌تنگ و ناراحتند که امیدواریم بهمین ناراحتی بمانند و مسلمانان از شر آنها خلاصی یابند.

مطمئن باشید که الگوهای اسلامی در کشورهای دیگر مسلمان مانند سلیمان خاطر در مصر و ناصر عبدالعزیز در اردن و آن جوان مبارز تونس که به اسرائیلی‌ها هجوم کرد، همه اینها متأثر از انقلاب شما هستند و از امام بزرگوارمان عطف و روش صحیح مبارزه را فرا می‌گیرند پس شما چون الگوی مسلمانان جهان هستید بدانید که مسئولیت بزرگی در پیش دارید و دل خوش دارید که چشم مسلمانان به سوی شما دوخته شده است، پس به پیش بروید و دیگران را، برای استقبال از حکومت جهانی حضرت ولی عصر «عج» آماده سازید.